

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال پنجم، شماره‌ی هفدهم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۸۷-۱۰۷

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران

نازنین شهیدی مارنانی،* مهرداد قیومی بیدهندی**

چکیده

معماری بیش از آن‌که محصول تصمیم یک یا چند فرد باشد، محصول فرهنگ جامعه است. بسنده کردن به شناخت کالبد و جسم معماری و غفلت از پیوندهای آن با فرهنگ به سطحی‌نگری در تاریخ معماری می‌انجامد. تاریخ فرهنگی رویکردی در تاریخ و تاریخ معماری است که اگر به مطالعات تاریخ معماری ایران وارد شود، می‌تواند آن را ژرف‌تر و برخی از زوایای تاریک آن را روشن کند. در این مقاله، نخست رویکرد تاریخ فرهنگی را، از طریق بررسی سیر تحول این نوع رویکرد و آثار آن، معرفی می‌کنیم. به دنبال این بررسی و معرفی، ویژگی‌های مشترک اقسام تاریخ فرهنگی را برمی‌شماریم. آن‌گاه امکان استفاده از این رویکرد را در تاریخ معماری ایران می‌سنجیم. بخش آخر این مقاله حاوی پیشنهادهایی برای مطالعه تاریخ فرهنگی معماری ایران است. واژه‌های کلیدی: تاریخ فرهنگی، تاریخ معماری ایران، فرهنگ عامه، نظریه‌ها، رویکردهای میان‌رشته‌ای در تاریخ معماری.

* کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران دانشگاه شهید بهشتی. (nazanin.shahidi@gmail.com)
** استادیار دانشکده‌ی معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی. (m-qayyoomi@sbu.ac.ir)
تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۷ - تاریخ تایید: ۹۲/۱۰/۰۹

مقدمه

انسان در طی روزگار درازی که بر این کره‌ی خاکی زیسته است، در آن تصرف کرده تا مکانی برای زیستن خود پدید آورد. امروزه این عمل، تصرف و نیز محصول آن را «معماری»، و مطالعه‌ی طرز تحقق و اسباب تحقق معماری را «تاریخ معماری» می‌خوانیم. انسان در عمل معماری، در تصرف و تصریف جهان، صورت‌های خام جهان را به صورت‌هایی دیگر مبدل می‌کند. مطالعه‌ی این صورت‌ها و کالبدها و طرز و اسباب تحقق آنها در حیطه‌ی تاریخ معماری است. انسان این صورت‌ها و کالبدها را از پی‌کاری، برای وظیفه‌ای و کارکردی پدید می‌آورد.

مطالعه‌ی نسبت میان آن صورت‌ها و این وظیفه‌های معماری نیز در زمره‌ی تاریخ معماری قرار می‌گیرد. هر بنا و شهر، هر مکان مصنوع را کسانی می‌سازند که آنان را مجموعه‌ی عوامل معماری می‌خوانیم؛ از بانی، مهندس، معمار و بنا گرفته تا هنرمندان و صنعتگران گوناگونی که در کار معماری دخالت دارند. مطالعه‌ی احوال و کاروبار آنان را هم در حیطه‌ی تاریخ معماری می‌شمارند. انسان در ماده‌های طبیعت تصرف می‌کند و آنها را تغییر صورت می‌دهد؛ مطالعه‌ی آن ماده‌ها، ساخت‌مایه‌ها و طرز تصرف انسان در آنها نیز در دایره‌ی تاریخ معماری می‌گنجد. لیکن حقیقت این است که اگر همه‌ی اینها گرد آیند، اگر عاملان معماری ساخت‌مایه‌هایی مناسب گرد آورند و اراده کنند که صورت‌هایی درخور وظیفه و کارکرد مطلوب پدید آورند، معماری رخ نمی‌دهد و اثر معماری پدید نمی‌آید؛ این را تاریخ نشان داده است. معماری‌ای که در عالم خارج تحقق یافته است، نتیجه‌ی گرد آمدن چند نفر و شماری امکان‌های مادی و تصمیم‌های فردی نیست.

کسانی که در جامعه‌ای می‌زیند سلایقی کمابیش مشابه دارند؛ برخی از صورت‌ها را زیبا و برخی را زشت می‌شمارند. آنان رفتارهای مشابهی نیز دارند؛ زندگی آنان از پاره‌هایی تشکیل شده است که کمابیش به هم شباهت دارند. داوری آنان در خصوص رفتارها کمابیش مشابه است؛ زبان و آداب و رسوم آنان نیز یکی است. آنان صدها و گاهی هزارها سال در یک سرزمین زیسته‌اند، و نسل در نسل آموخته‌اند که در آن سرزمین چگونه باید ساخت و چگونه مکانی مناسب برای زیستن پدید آورد؛ این سلاقی و رفتارها و معیارها و تجربه‌های مشترک در معماری دخیل است. اگر در معماری اقوام و فرهنگ‌ها

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۸۹

و سرزمین‌های گوناگون تأمل و امعان نظر کنیم، گواهی خواهیم داد که این مشترکات قومی، که آن را «فرهنگ» می‌خوانند، بیش از هر عامل دیگری در معماری مؤثر است؛ چندان که معماری را ساخته‌ی فرهنگ و از مهم‌ترین مظاهر مادی آن شمرده‌اند.^۱ شگفت است که در مطالعه‌ی معماری ایران، به این مهم‌ترین عامل و علت معماری، حتی به قدر صورت‌ها و شکل‌ها و کالبدها، به اندازه‌ی مواد و ساخت‌مایه‌ها، یا به قدر فنون ساختمان اعتنا نمی‌شود. می‌توان تاریخ معماری ایران را بر محور پیوند میان معماری و فرهنگ ترتیب داد.

یکی از رویکردهای معطوف به فرهنگ در تاریخ‌نویسی، رویکرد «تاریخ فرهنگی»^۲ است. هدف ما در این مقاله، این است که این رویکرد و نسبتش با معماری را معرفی، و سپس امکان و فواید آن را در مطالعات معماری ایران بررسی کنیم. رویکرد تاریخ فرهنگی، در زمره‌ی رویکردهای نسبتاً نوپای تاریخ‌نویسی معطوف به فرهنگ است، که از اواخر سده‌ی نوزدهم مطرح شده و امروز، به عقیده‌ی برخی از محققان، جریان غالب تاریخ‌نگاری است.^۳ نخست؛ منظور مورخان فرهنگی از فرهنگ موضوعاتی از قبیل جوّ کلی حاکم بر جامعه و روح زمانه بود؛ اما به‌مرور و با رخ دادن تحولاتی در معنای فرهنگ، توجه مورخان به اندیشه‌های عامه، فرهنگ عامه و تجربیات زندگی روزانه جلب شد.

سالیانی است که محققان و تاریخ‌پژوهان دردمند معماری ایران، در پی خوانش و فهم معماری ایران به طریقی بوده‌اند که پیوند آن را با فرهنگ ایرانی نشان دهند.^۴ شاید با رویکرد تاریخ فرهنگی بتوان گام‌های مؤثر و منضبطی در تحقق آن آرزو برداشت. در پیش گرفتن رویکرد تاریخ فرهنگی به تاریخ‌پژوهان معماری ایران، این امکان را می‌دهد که در عین بومی کردن این رویکرد، از تجارب جهانی بهره‌گیرند و در فعالیت‌های جهانی در این

۱. آنتونی گیدنز، (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ص ۴۶-۴۷.

2. cultural history.

3. Boyd, (1999), *Encyclopedia of Historians and Historical Writing*, p.277.

۴. شاخص‌ترین آنان مرحوم استاد محمدکریم پیرنیاست. برای بحثی در این باره، نک: قومی بیدهندی، مهرداد و محمد مهدی عبدالله‌زاده، «بام و بوم و مردم: بازخوانی و نقد اصول پیشنهادی پیرنیا برای معماری ایرانی»، مطالعات معماری ایران، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۴-۷.

زمینه، مشارکت کنند. از این گذشته، ویژگی کل نگری در این رویکرد، ما را از سلطه‌ی جزءنگری رایج در رویکردهای تاریخی گرانه و شرق‌شناسانه می‌رهاند.

در این مقاله، حوزه و رویکرد تاریخ فرهنگی را بررسی و معرفی می‌کنیم. در این بررسی، به شیوه‌ی بررسی شأن یا وضعیت رشته^۱ از طریق مطالعه‌ی طرز تحقق و سیر تحول آن نظر داریم. پس از معرفی کلی حوزه و رویکرد تاریخ فرهنگی و شناخت ویژگی‌های آن، آن ویژگی‌ها را به حوزه‌ی فرهنگ و معماری ایران عرضه می‌کنیم و امکان تحقق آن را و امی‌رسیم. در این بررسی، از بنیادهای نظری و روشی و نیز منابع محتمل تاریخ معماری ایران سخن خواهد رفت. پیداست که تاریخ معماری ایران مراحل و اجزای گوناگونی دارد و نمی‌توان برای همه‌ی آن، حکم‌های کلی صادر کرد. آنچه در اینجا مطرح نظر است صدور چنین حکم‌هایی نیست؛ بلکه بررسی اولیه‌ی امکان پرداختن به تاریخ معماری ایران، با عنایت به ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و منابع معماری ایران است.

۱. چیستی تاریخ فرهنگی و تاریخ فرهنگی معماری

بسیاری از رویکردها در علوم انسانی، از جمله تاریخ، در طی زمان شکل گرفته است و رفته‌رفته به آنها نامی داده‌اند. چنین رویکردهایی مبنای نظری یا روشی واحدی ندارد. با این حال، همین که مجموعه‌ای از رویکردها را با اسمی واحد می‌خوانند، گواه این است که مسمایی واحد در پس همه‌ی آن کثرت‌ها و اختلاف‌هاست. بهترین راه برای شناخت این‌گونه رویکردها، جستجوی آن مسمای واحد در خلال صورت‌های متکثر آن است؛ تاریخ فرهنگی چنین رویکردی است. برای فهمیدن چیستی تاریخ فرهنگی، باید تاریخ فرهنگی را جست و بررسی کرد که آنچه در طی زمان به این نام خوانده‌اند و آثار مهمی که با این رویکرد نوشته‌اند چه ویژگی‌هایی دارد.^۲

۱-۱. مراحل تاریخ فرهنگی

تاریخ فرهنگی را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند: مرحله‌ی کلاسیک (از اواخر سده‌ی نوزدهم)؛ مرحله‌ی تاریخ اجتماعی هنر (از دهه‌ی ۱۹۳۰)؛ مرحله‌ی تاریخ فرهنگ عامه و

1. state of the art.

۲. پینتر برک، (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگی چیست؟، ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ص ۳۱.

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۹۱

انسان‌شناسی تاریخی (از دهه‌ی ۱۹۶۰)؛ و مرحله‌ی تاریخ فرهنگی جدید (از سال ۱۹۸۹).^۱ بین این چهار مرحله، خط قاطعی نیست؛ اما در هر دوره، جریان‌هایی در تاریخ فرهنگی مؤثر بوده است که آن را از مراحل قبل و بعد خود متمایز می‌کند.

بین «تاریخ فرهنگی» و «تاریخ فرهنگ» فرق است؛ اما ریشه‌های تاریخ فرهنگی زمانی شکل گرفت که توجه مورخان به موضوع فرهنگ و تاریخ آن جلب شد. اصطلاح «تاریخ فرهنگ» نخستین بار در اواخر سده‌ی هجدهم در آلمان، به کار رفت و به تدریج در کشورهای دیگر، مانند انگلستان، مقبولیت یافت.^۲ نخستین کتاب مؤثر در این حوزه، که مدت‌ها مرجع و الهام‌بخش مورخان بود، تاریخ فرهنگ رنسانس در ایتالیا (۱۸۶۰)،^۳ از یاکوب بورکهارت،^۴ مورخ سوئسی، است. او در این کتاب کوشیده است از طریق بررسی وجوه مختلف جامعه‌ی شهری ایتالیای سده‌های پانزدهم و شانزدهم، تصویری جامع از فرهنگی ترسیم کند که موجب پدید آمدن دوره‌ی رنسانس در اروپا شد. توجه او در این کتاب بیشتر به بخش‌های فرادست جامعه‌ی ایتالیای دوره‌ی رنسانس، مانند فرهیختگان و حامیان هنر و هنرمندان؛ یعنی نخبگان جامعه است. از نظر بورکهارت و دیگر مورخان، مرحله‌ی اول تاریخ فرهنگی، در همه‌ی آثار هنری هر دوره، روحیه‌ای مشترک دیده می‌شود. این روحیه‌ی مشترک ناشی از این است که آثار هنری هر دوره، مظهر فرهنگ واحد خاص آن دوره هستند. فرهنگ هر دوره، خود مظهري از روح آن دوره است؛^۵ این دیدگاه متأثر از اندیشه‌ی «روح زمانه»^۶ یا روح دوره‌ی هگل بود.^۷

در دوره‌ی تکوین تاریخ فرهنگی، معدود آثاری نیز در تاریخ معماری نوشته شد، که از نخستین آنها کتاب معماری رنسانس در ایتالیا^۸ (۱۸۶۷)، از یاکوب بورکهارت، است. در این کتاب، برای شناخت معماری رنسانس، مجموعه‌ی عظیمی از برگه‌های تحقیق برگرفته از منابع درجه‌ی اول دوره‌ی رنسانس - چه نوشته‌های اهل نظر و چه دفترچه‌های خاطرات و وقایع‌نگاشت‌ها - با یادداشت‌هایی مختصر از نویسندگان و بسیاری عکس و نقشه گرد آمده است.^۹ دیگر مورخان فرهنگی معماری، پرداختن به این قبیل منابع را از بورکهارت آموختند.^{۱۰}

۱. همان، ص ۳۵.

2. Peter Burke, (1997), *Varieties of Cultural History*. New York: Cornell University Press, p2.

3. *Die Kultur der Renaissance in Italien*.

این کتاب با این مشخصات به فارسی ترجمه شده است: یاکوب بورکهارت، (۱۳۷۶)، *فرهنگ رنسانس در ایتالیا*. ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.

4. Jacob Burckhardt (1818-1897).

۵. تاریخ فرهنگی چیست؟، ص ۳۶.

6. *Zeitgeist*.

۷. دیوید ونگ، «تحقیق تفسیری - تاریخی در معماری»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، ص ۳۹، بهار ۱۳۸۴.

8. *Die Baukunst der Renaissance in Italien (The architecture of the Italian renaissance)*.

9. Murray, "Introduction", In: Burckhardt, *The architecture of the Italian renaissance*, University Of Chicago Press, p. xv.

10. Ibid.

مرحله‌ی جامعه‌شناسی هنر در تاریخ فرهنگی، یعنی دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، با دوره‌ی رونق مارکسیسم و عطف توجه محققان به اهمیت سیاق‌های اجتماعی و اقتصادی و جایگاه فرودستان در تاریخ، هم‌زمان است. مورخ شناخته‌ی هنر و معماری در این جریان، ارنست گومبریش^۱ (گامبریچ) است. مهم‌ترین کتاب او، داستان هنر،^۲ به جهت توجه به سیاق تاریخی و اجتماعی آثار هنر و معماری و تلاش برای فهم آثار از نگاه مردمان هم‌عصر آن، در زمره‌ی تاریخ فرهنگی قرار می‌گیرد.

گومبریش درباره‌ی مباحث نظری تاریخ فرهنگی نیز سخن گفته است؛ سخن‌رانی مفصل او، که بعدها در قالب کتاب در جستجوی تاریخ فرهنگی^۳ (۱۹۶۹) منتشر شد، منشأ تحولاتی در زمینه‌ی تاریخ فرهنگی شد. این کتاب نقدی است بر این پارادایم فکری مورخان نسل اول تاریخ فرهنگی، که هر دوره‌ی تاریخی دارای کلیت یکپارچه‌ی فرهنگی است.^۴ از نظر گومبریش، چنین قولی مردود است؛ زیرا هر جنبش یا سبک هنری بیش از آنکه زاده‌ی زمانه باشد، زاده‌ی مردمی است که آن را پدید آورده‌اند.^۵ بنابراین، مورخ فرهنگی در شناسایی وقایع گذشته، باید ریزین‌تر باشد و اگر به خاستگاه شیوه‌ها و سبک‌های هنری می‌پردازد، به واکنش‌های مردم در برابر سبک‌ها و نسبت‌ها و پیوندهای مؤثر در هنرمندان این شیوه‌ها نیز بپردازد.^۶

یکی از نتایج چنین نقدهایی، این بود که مورخان قول به یکپارچگی فرهنگی هر دوره را یکسره کنار گذاشتند، میان فرهنگ خواص و عوام تفاوت قائل شدند، و بر مطالعه‌ی فرهنگ عوام تأکید کردند. از حدود دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد، توجه به موضوع فرهنگ بیشتر و همه‌گیرتر شد و در دهه‌ی ۱۹۷۰، «چرخش فرهنگی»^۷ پدید آمد. در این دوره، کاربرد واژه فرهنگ گسترش چشم‌گیری یافت و به‌مرور، طیفی وسیع از موضوعات و رفتارهایی را در بر گرفت که پیش‌تر آنها را در زمره‌ی فرهنگ نمی‌شمردند؛ موضوع‌ها و رفتارهایی مانند ابزارها، خانه‌ها، تصاویر، رؤیاها، اقلیت‌ها، مهاجران، زنان و اقوام غیراروپایی.^۸

1. Context.

2. Ernst Hans Josef Gombrich, (1909-2001).

3. *Die Geschichte der Kunst (The Story of Art)*.

ترجمه‌ی فارسی این کتاب در ایران با این مشخصات منتشر شده است: ارنست هانس گامبریچ، (۱۳۷۹)، *تاریخ هنر*، ترجمه علی رامین. تهران: نی.

4. *Suche nach der Kulturgeschichte (In the Search of Cultural History)*.

۵. *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ص ۵۴.

6. Ernest Gombrich, (2002), "In search of cultural history". In: Dana Arnold, *Reading Architectural History*, London: Routledge, p.168.

7. Ibid. 169.

8. cultural turn.

«چرخش فرهنگی» جنبشی است در میان محققان علوم انسانی، که مهم‌ترین ویژگی‌هایش اعراض از رویکرد معرفت‌شناختی پوزیتیویسم، توجه به فرهنگ و جنبه‌های فرهنگی پدیده‌های انسانی، و تأکید بر معنا در این پدیده‌هاست.

۹. *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ص ۶۰-۵۶.

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۹۳

در دهه ی ۱۹۶۰، برخی از مورخان اجتماعی در جستجوی تعریفی همه‌جانبه‌تر از فرهنگ، به سوی دیدگاه انسان‌شناسان جذب شدند. موضوع کار انسان‌شناسان، اقوام غیراروپایی و فرهنگ عامه بود. آنان در قید ساختارهای مستقر جوامع غربی نبودند و با مردمی یکسره متفاوت سروکار داشتند. از این‌رو، تصورشان از فرهنگ گسترده‌تر بود و به فرهنگ‌های گوناگون، به‌ویژه فرهنگ‌های معروف به نامتمدن یا فرهنگ‌های عامه، توجه می‌کردند.^۱ انسان‌شناسان در شناخت فرهنگ جوامع، به فرهنگ نهفته در آداب و رسوم و زندگی روزانه‌ی انسان‌ها توجه کردند و به تفسیر معانی نهفته در رفتارها پرداختند.^۲

یکی از مؤثرترین انسان‌شناسان کلیفورد گیرتز^۳ آمریکایی بود. از نظر گیرتز، بسیاری از مراسم، و عادات و رفتارهای روزانه‌ی مردم هر جامعه، مظهر معانی درون فرهنگ آنان است و با تحلیل موشکافانه‌ی این رفتارها، حتی می‌توان به فهم فرهنگ والا (فرهنگ خواص) نیز راهی تازه گشود. این روش، که به روش «تحلیل نمایش»^۴ معروف است، در مورخان فرهنگی اروپای غربی و آمریکا بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ سخت اثر گذاشت.^۵ برخی از مورخان فرهنگی معماری نیز این نگاه انسان‌شناسانه را در تحلیل آثار معماری، اختیار کردند؛ از جمله کلرنس اوسن^۶ در معماری سیام: تفسیری از منظر تاریخ فرهنگی^۷ (۱۹۹۸).

این نگاه‌های نو و توجه گسترده‌تر مورخان به مفهوم فرهنگ، باعث شد تاریخ فرهنگی در اواخر سده‌ی بیستم، به مرحله‌ی جدیدی وارد شود که امروز آن را «تاریخ فرهنگی جدید»^۸ می‌خوانند. تاریخ فرهنگی جدید که در واقع اصلاحی است بر جریان‌های گذشته‌ی تاریخ فرهنگی، دو ویژگی مهم دارد: نخست، توجه به موضوعات کمتر دیده‌ای چون بررسی ذهنیت‌ها و احساسات و موضوعات نامأنوس؛ دوم، توجه به نظریه‌های مطرح شده در حوزه‌های مربوط به فرهنگ.^۹ مورخان فرهنگی جدید، همواره بر پایه‌ی یک نظریه‌ی فلسفی، ادبی، اجتماعی، فرهنگی یا ترکیبی از آنها پژوهش می‌کنند.^{۱۰} در حوزه‌ی تاریخ فرهنگی معماری در این دوره، آثار بیشتری نوشته شده که از آن میان، می‌توان از کتاب معماری، فرهنگ چاپ و حوزه‌ی عمومی در فرانسه‌ی سده‌ی هجدهم^{۱۱} از ریچارد ویتمن^۱ نام برد، که بر نظریه‌ی «حوزه‌ی عمومی»^۲ یورگن هابرماس^۳ بنیاد شده است.

۱. اصغر عسکری خانقاه و محمدشریف کمالی، (۱۳۸۷)، *انسان‌شناسی عمومی*، تهران: سمت، ص ۲۹-۲۳.

۲. *تاریخ فرهنگی چیست؟*، ص ۶۴.

3. Clifford James Geertz (1926-2006).

4. Drama Analogy.

۵. همان، ص ۷۳، ۷۲، ۶۶.

6. Clarence Aasen.

7. *Architecture of Siam, A Cultural History Interpretation*.

8. new cultural history.

۹. همان، ص ۸۸، ۱۱۰، ۸۶.

۱۰. برای دیدن نمونه‌هایی از تاریخ فرهنگی جدید نک: Hunt (ed.), *The New Cultural History*.

11. *Architecture, Print Culture, and the Public Sphere in Eighteenth-Century France*.

۲-۱. ویژگی‌های تاریخ فرهنگی

با تأمل در انواع تاریخ فرهنگی و سیر تطور آن، درمی‌یابیم که تاریخ فرهنگی، به‌رغم همه‌ی تنوعات، مشترک لفظی نیست و بر ویژگی‌های مشترکی در همه‌ی انواع آن دلالت می‌کند. شناسایی این ویژگی‌ها، کمک می‌کند تا معنا و محدوده‌ی تاریخ فرهنگی را روشن‌تر درک کنیم:

الف. ویژگی‌های درونی

- اتکا بر بنیاد نظری: تاریخ فرهنگی نوعی از تاریخ‌نویسی متکی بر نظریه است.
- جستجوی معنا: مورخ فرهنگی در پی کشف لایه‌های درونی و معنای مستتر در رویدادهاست، یعنی آنچه رویدادها را به فرهنگ پیوند می‌دهد.
- اعتنا به همه‌ی قشرهای اجتماعی: اگرچه اعتنای ویژه به فرهنگ فرودستان، خاص تاریخ فرهنگی جدید است؛ کمابیش در همه‌ی انواع تاریخ فرهنگی، مورخ به کل فرهنگ توجه دارد.
- تفسیر کارکردها: توجه به کارکردها برای پی‌بردن به قواعد و باورهای نهفته در آنها، توجه به اعمال وابسته به پدیده‌ها یا موجد پدیده‌ها، ویژگی بسیاری از پژوهش‌های تاریخ فرهنگی است.
- پرهیز از کلی‌گویی، همراه با توجه به جزئیات: در تاریخ فرهنگی، از کلی‌گویی درباره‌ی فرهنگ و یکپارچه انگاشتن فرهنگ جامعه پرهیز می‌کنند. موضوع پژوهش‌های تاریخ فرهنگی معمولاً کوچک و همراه با بررسی‌های دقیق و موشکافانه است.
- کثرت اسناد: در تحقیق‌های تاریخ فرهنگی، از شمار بسیاری از اسناد تاریخی بهره می‌گیرند.
- تنوع اسناد: در تحقیق‌های تاریخ فرهنگی، از انواع بسیاری از اسناد (از اسناد رسمی تا اسناد شخصی) بهره می‌گیرند.

ب. ویژگی‌های بیرونی

-
1. Richard Wittman.
 2. public sphere.
 3. Jürgen Habermas (1929).

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۹۵

- میان‌رشتگی: تاریخ فرهنگی حوزه‌ای سخت میان‌رشته‌ای است. مورخان فرهنگی از دستاوردهای محققان دیگر حوزه‌های تاریخ و دیگر رشته‌ها بسیار بهره می‌برند.
- بهره‌گیری از نظریه‌های رشته‌های دیگر: آنچه تاریخ فرهنگی را از دیگر اقسام تاریخ ممتاز می‌کند، دیدگاه یا نظریه یا روش خاص آن نیست؛ بلکه موضوع و دایره‌ی چیزهایی است که موضوع آن شمرده می‌شود. از این‌رو، در تاریخ فرهنگی از اندیشه‌ها و دستگاه‌های نظری دیگر مرتبط با فرهنگ، متناسب با نیاز تحقیق، بهره می‌گیرند.

۲. امکان‌پذیری تاریخ فرهنگی معماری ایران

با شناختی که از رویکرد تاریخ فرهنگی به دست آوردیم، چنین می‌نماید که با این رویکرد، بتوان جنبه‌های ناشناخته‌ای از معماری ایران را شناخت و بر زوایای تاریک آن پرتو افکند. اما آیا چنین کاری ممکن است؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، باید ویژگی‌های تاریخ فرهنگی را به فرهنگ و معماری ایران عرضه کنیم. از ویژگی‌های نه‌گانه‌ی یادشده، برخی به موضوع توجه مورخان فرهنگی مربوط است. پیداست که ویژگی‌هایی چون «جستجوی معنا»، «اعتنا به همه‌ی قشرهای اجتماعی»، «تفسیر کارکردها»، و «پرهیز از کلی‌گویی، همراه با توجه به جزئیات» صفاتی نیست که با بررسی آنها بتوان امکان تحقق تاریخ فرهنگی معماری ایران را سنجید. برای این کار، باید به ویژگی‌های دیگر پرداخت. آن ویژگی‌ها را در خصوص فرهنگ و معماری ایرانی در سه حوزه‌ی «منابع»، «نظریه» و «حوزه‌های موضوعی» به‌اجمال بررسی می‌کنیم.

۲-۱. منابع

مورخان فرهنگی در پی نشان دادن بخش‌های مغفول و لایه‌های زیرین و درونی رویدادهای گذشته هستند و از کلی‌گویی و تکرار حکم‌های ثابت پژوهش‌های گذشته و استفاده از گزاره‌ها یا اطلاعات ساخته و پرداخته‌ی حکومت و طبقات مسلط اجتماعی پرهیز می‌کنند؛ برعکس، به جزئیات و جنبه‌های پنهانی رویدادها و پدیده‌ها اهمیت می‌دهند. برای کشف و فهم جنبه‌های پنهانی رویدادها، ناگزیرند به بررسی انبوهی از مدارک بپردازند.

سنت دیرپای ثبت و ضبط رویدادهای خرد و کلان در اروپا، چنین کاری را برای مورخان فرهنگی مغرب‌زمین ممکن کرده است. چنین پیشینه‌ای، محققان غربی را از صدها بایگانی سند، حتی اسنادی به‌ظاهر ناچیز، برخوردار کرده است. گویی ایرانیان به قدر اروپاییان به توثیق و تسجیل عنایت نداشته‌اند و شمار و انواع اسناد تاریخی ایران با اسناد تاریخی ممالک اروپایی هیچ طرف قیاس نیست. بسیاری از رویدادهایی را که اروپاییان ثبت کرده‌اند، ایرانیان شایسته‌ی ضبط ندانسته‌اند یا پس از آن‌که فایده‌ی موضعی آنها منتفی شد، از میان برده‌اند. به‌علاوه، در تاریخ ایران بارها حوادثی پیش آمده که در طی آنها، اسناد و کتاب‌های بسیاری از میان رفته است.^۱ بسیاری از اسناد عمومی یا خصوصی موجود نیز منتشر نشده یا در دسترس محققان نیست. چنین وضعی این شبهه را پیش می‌آورد که پژوهش درباره‌ی معماری با رویکرد تاریخ فرهنگی در ایران، ناممکن یا بسیار دشوار است. با این حال، اگر به وضع و کیفیت اسناد ایرانی دقت کنیم، این شبهه از میان برمی‌خیزد یا دست‌کم خفیف می‌شود.

اگر چه در تاریخ‌نویسی فرهنگی، بیشتر بر اسناد مربوط به عامه تکیه می‌شود؛ بسیاری از اسناد رسمی سلطانی و دیوانی نیز حاوی اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص زندگی عامه است. این‌گونه اسناد، در چند دستگاه رسمی دولتی نگه‌داری می‌شود، که بسیاری از محققان تاریخ معماری ایران به آنها توجه نمی‌کنند؛ از جمله سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، موزه‌ی ملی ایران، کتابخانه‌ی کاخ گلستان، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس، مرکز اسناد ریاست جمهوری (نخست‌وزیری سابق)، و کتابخانه‌ی بسیاری از شهرهای بزرگ و

۱. در تاریخ‌نامه‌ها به موارد بسیاری برمی‌خوریم که با تأسیس حکومتی جدید، کتابخانه‌های حکومت پیشین را، به‌عمد یا به‌سهو، نابود کرده‌اند؛ از جمله آنچه تحویلدار اصفهان درباره‌ی میراث مکتوب صفویه ذکر کرده است: «وقتی دولت بهیبه‌ی روس بر اردبیل استیلا یافت، کتب و سایر اسباب نفیسه‌ی شاه صفی را از میان برد. کتاب‌های اصفهان را هم مدرس مدرسه [چهارباغ] در زمان غلبه افغان احتیاط کرد و در خانه خود در سردابی ریخت و در آن را مسدود نمود و هشت نه سال اغتشاش این طایفه و غیره سرکشی نشد. بسیاری از این کتب به‌گرد و بید و موریانه ضایع شد. پس از آن هم، الی‌الآن در همان سرداب‌ها مانده و به مرور دهور، موریانه آنها را از حیّز انتفاع انداخته. کتاب‌های متفرقه خانواده‌ها را هم غالب در همان قتل افغانه به همین تیره پنهان کرده و تلف گردیده.» تحویلدار اصفهان، *جغرافیای اصفهان*، ص ۹۸، ۹۷.

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۹۷

کوچک. هزاران سند خانوادگی در دست خانواده‌هاست، که در برخی از شهرها، محققان محلی این اسناد را گرد آورده و سامان داده‌اند.^۱ وقف‌نامه‌ها از ارزنده‌ترین اسناد فرهنگی و منابع معماری ایران است، که بیشتر آنها در سازمان اوقاف و امور خیریه نگه‌داری می‌شود. بسیاری از وقف‌نامه‌ها و اسناد خصوصی تاریخی نیز در طی سده‌ی اخیر، به همت سندپژوهان و مصححان و کتاب‌داران انتشار یافته است. از اینها بالاتر، انواعی از اسناد است که ظاهراً در فرهنگ اروپایی نظیر ندارد: فتوت‌نامه‌ها، شهرآشوب‌ها، و یادگاری‌های نوشته بر دیوار بناهای گذشته. همچنین در نیم‌قرن اخیر تلاش‌های گسترده‌ای در شناخت فرهنگ عامه انجام گرفته، که نتایج و منابع آنها نیز در زمره‌ی منابع بالقوه‌ی تاریخ فرهنگی معماری ایران است.

در خصوص منابع درجه‌ی دوم، که معمولاً نتیجه‌ی تحقیق محققان هم‌روزگار ما در خصوص موضوعات گوناگون انسانی در تاریخ ایران است، باید به تحقیق‌های مربوط به عامه و فرودستان بیشتر عنایت کرد. برخی از این منابع، به‌ظاهر در قالب پژوهش رسمی نیست؛ اما، شاید به همین سبب، آکنده از ظرایفی است که به کار مورخ فرهنگی معماری ایران می‌آید.^۲

۲-۲. نظریه

نظریه‌هایی که در حوزه‌های جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه‌ی تاریخ، مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان، و نقد ادبی پرداخته می‌شود، برانگیزنده‌ی پژوهش‌هایی تازه در حوزه‌های گوناگون علوم انسانی، از جمله تاریخ فرهنگی است. هر کدام از این نظریه‌ها پنجره‌ای برای پرسیدن پرسش‌های تازه در اختیار مورخان فرهنگی قرار می‌دهد.

۱. از جمله‌ی آنها کار درخشان استاد محمود اخوان در گردآوری و سامان‌دهی اسناد خانوادگی استرآباد (گرگان) است. برای مشاهده‌ی نمونه‌ای از این اسناد، نک: قیومی بیدهندی، مهرداد و محدثه نظیف‌کار، «دو سند درباره معماری حمام‌های روستایی استرآباد»، در دست انتشار در پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره استاد ایرج افشار).

۲. آثار جعفر شهری و محمدابراهیم باستانی باریزی از بهترین نمونه‌های این نوع کتاب‌هاست.

از این لحاظ نیز شبهه‌ای در امکان‌سنجی تاریخ فرهنگی معماری ایران پیش می‌آید، که به فقر نظری علوم انسانی در ایران. در این خصوص مربوط است؛ همچنین لازم است به چند نکته توجه شود. نخست، این‌که هرچند خاستگاه بسیاری از نظریه‌های غربی مغرب‌زمین است؛ موضوع آنها منحصر به فرهنگ غرب نیست و می‌توان آنها را، با احتیاط‌های عالمانه، در خصوص فرهنگ و معماری ایران نیز به کار برد. نمونه‌ی آن نظریه‌ی «حوزه‌ی عمومی»^۱ هابرماس، جامعه‌شناس و فیلسوف آلمانی، است که امروز اساس برخی از مطالعات تاریخ فرهنگی معماری قرار گرفته است.^۲ برخی از نظریه‌ها را نیز می‌توان بومی کرد؛ یعنی اساس نظریه را حفظ کرد و پاره‌هایی از آن را که با جامعه و فرهنگ ایرانی مناسبت ندارد دگرگون کرد و متناسب ساخت.

از این گذشته، برخی از اندیشمندان ایرانی و غیرایرانی، نظریه‌هایی پرمایه در خصوص فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی پرداخته‌اند؛ از جمله محمدعلی همایون کاتوزیان (در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و اقتصاد)، داریوش آشوری (در حوزه‌ی زبان فارسی)، سیدمحمد بهشتی (در زمینه‌ی فرهنگ و هویت ایرانی)، احمد اشرف (در زمینه‌ی تاریخ شهر و هویت ایرانی)، و نسا مارتین (در حوزه‌ی تاریخ فرودستان دوره‌ی قاجاریه). به جز این نوع نظریه‌ها، که پرداخته‌ی متفکران معاصر است، از دسته‌ی دیگر از نظریه‌ها نیز می‌توان یاد کرد، که اساساً برآمده از فرهنگ ایرانی و شیوه‌ی فکر گذشتگان است. نمونه‌ی آن، نظریه‌ی «حیات زمانه» یا «مزاج دهر» برای تفسیر تاریخ معماری ایران است که بر اندیشه‌ی مشترک در متون فارسی سده‌های نخست هجری متکی است.^۳

1. Public Sphere.

۲. نک: هدیه نوربخش، «عرصه‌ها و نهادهای شهری در تهران عصر مشروطه»، در: گلستان هنر، ش ۹، ص ۵۲-۶۱.

۳. مهرداد قیومی بیدهندی، (۱۳۹۰)، «مزاج دهر: نظریه حیات زمانه در دوره‌بندی تاریخ معماری ایران». در: گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۷۰-۵۷.

۳-۲. حوزه‌های موضوعی

تمایز مهم تاریخ فرهنگی با دیگر رویکردهای تاریخ‌نویسی، در جنبه‌هایی از موضوع است که مورخان فرهنگی برای مطالعه برمی‌گزینند و در نوع تفسیرهایی است که از موضوع مطالعه به دست می‌دهند. بنابراین، وجهی از تصویری که می‌توان از آینده‌ی تاریخ فرهنگی معماری ایران داد در حیطه‌ی موضوع است. بیشتر حوزه‌های موضوعی در تاریخ معماری ایران را می‌توان با رویکرد تاریخ فرهنگی دوباره واریسی کرد. در اینجا، به برخی از حوزه‌های موضوعی اشاره می‌کنیم که برای این منظور مستعدتر است.

الف. ذهنیت‌ها، باورها و عواطف مرتبط با معماری

یکی از حوزه‌های مهم تاریخ فرهنگی معماری، ذهنیت یا طرز نگرش انسان‌ها، به‌ویژه عموم مردم، درباره‌ی معماری و شهر است. از آنجا که در مقاله‌ای مستقل به این موضوع پرداخته‌اند^۱، در اینجا به ذکر چند نکته و یک مثال بسنده می‌کنیم.

انسان‌ها، تصورات و باورها و احساساتی درباره‌ی آثار معماری دارند؛ این طرز نگرش‌ها یا ذهنیت‌ها خود بر چند دسته است: یک، ذهنیت‌هایی است که مردم از بنایی ساخته، دارند. این ذهنیت در داستان‌هایی بروز می‌کند که درباره‌ی بنا می‌گویند، نام خاصی که برای آن انتخاب می‌کنند و احساسی که به آن دارند. دسته‌ی دیگر، ذهنیت‌هایی است که باعث ساخته شدن و شکل‌گیری بنا یا مجموعه‌ای می‌شود. دسته‌ی سوم، ذهنیت‌هایی است که باعث ایجاد تغییرات در بنایی موجود می‌شود. ذهنیت‌های دسته‌ی اول را معمولاً در نوشته‌هایی می‌توان یافت که کسانی درباره‌ی شهر و دیارشان نوشته‌اند. یک گونه از این مکتوبات، تاریخ‌نامه‌های محلی است، که کم‌وبیش دیدگاه‌ها و احساسات و خاطرات نویسنده و مردم هم‌روزگار او را درباره‌ی بناهای مختلف اصفهان نشان می‌دهد؛ مانند *تاریخ اصفهان* از جلال‌الدین همایی.

در خصوص دسته‌ی دوم، یعنی ذهنیت‌هایی که بناهایی را شکل داده است، نمونه‌های بسیاری در ایران در دست است. همه بناهایی که به واسطه‌ی رؤیایی برپا شده و همه‌ی

۱. نک: مهرداد قیومی بیدهندی و امید شمس، «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران»، *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۵-۵.

قدمگاه‌ها در این دسته قرار می‌گیرد. گاهی هم ذهنیت انسان‌ها موجب تصمیم‌های مهم در معماری بنا می‌شود؛ چندان‌که قرائت و فهم بنا بدون توجه به آن، ناممکن است. در اینجا به آوردن نمونه‌ای بسنده می‌کنیم: بقعه‌ی پیر بکران، در نزدیکی اصفهان، که طرحی عجیب دارد. از شگفتی‌های این بنا، تخته‌سنگی است که نیمی از آن از زیر جرز جنوب‌شرقی ایوان بیرون زده است. روی این تخته‌سنگ سوراخی است، که مسلمانان اهل محل آن را جای پای اسب حضرت محمد (ص) و یهودیان آن را جای پای اسب حضرت الیاس (ع) و معراج‌گاه او می‌دانند.^۱ جرز را به عمد بر روی بخشی از این تخته‌سنگ قرار داده‌اند؛ شاید به این منظور که هم سنگ را تثبیت و هم بنا را متبرک کنند. اگر درستی این حدس معلوم گردد، فهم ما از این بنا دقیق‌تر می‌شود.

ب. بازنمایی معماری

حوزه‌ی موضوعی دیگر، شیوه‌های بازنمایی آثار معماری از نگاه‌های مختلف است. «بازنمایی»^۲ از مفاهیم اساسی تاریخ فرهنگی جدید معماری است؛ به این معنا که در هر متن یا عکس یا روایتی از یک اثر معماری، بر اساس دیدگاه‌ها و باورها و علایق راوی یا عکاس، وجوهی از اثر برجسته می‌شود و مورخ به آن توجه می‌کند. در مطالعه‌ی تاریخ معماری ایران، این نوع موضوعات از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد ایرانیان چگونه به آثار معماری نگریسته‌اند و در سخن گفتن از بناها و شهرها، چه چیزهایی را مهم‌تر شمرده‌اند. به وصف حمدالله مستوفی از تخت جمشید بنگرید:

مؤلف فارس‌نامه گوید: جمشید در اصطخر در پای کوه سرایی کرده بود و صفت این سرای آنکه در پایان کوه دکه ساخته بود از سنگ خاراى سیاه، و آن دکه چهار سوست و در یک جانب در کوه پیوسته و سه طرف در صحرا گشوده و بر بلندی سی‌گز ساخته، به دو طرف نردبانی برو رفتندی. و بر آن دکه، ستون‌ها از سنگ سفید مدور کرده و بر او نقاری چنان باریک کرده که در چوب نرم نتوان کرد. و بر درگاه دو ستون مربع نهاده‌اند؛ و

۱. لطف‌الله هنرفر، (۱۳۴۴)، گنجینه آثار تاریخی اصفهان: آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان، اصفهان: ثقفی، ص ۲۵۷.

2. Representation.

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۱۰۱

بارهای آن ستون‌ها هریک زیادت از صد هزار من باشد. و در آن نزدیکی بر آن شکل سنگ نیست و براده آن امساک خون می‌کند بر جراحات. و بر آنجا، هریک صورت براق مصطفی، صلعم، کرده‌اند؛ رویش به شکل آدمی، با ریش مجعد و تاج بر سر و دست و پا، و دم بر صفت گاو. و صورت جمشید به شکل سخت زیبا کرده بودند. و در آن کوه، گرمابه از سنگ کنده‌اند؛ چنان‌که آب گرمش از چشمه زاینده است و به آتش محتاج نمی‌شده. و بر سر آن کوه، دخمه‌های عظیم بوده است، که مردم آن را زندان باد گفتندی.^۱

اینکه آنجا را جمشید ساخته است، اهمیت ظرافت حجاری، اهمیت وزن ستون‌ها و اینکه آنها را از دور دست آورده‌اند، اثر طبیی سنگ تخت جمشید، انتساب صورت سرستون‌ها به براق حضرت پیامبر اسلام (ص) و فراتاریخی بودن این معنا، و تصور از گرمابه و دخمه ناگزیر بخشی از تاریخ تخت جمشید است که تا کنون به آن توجه نشده است. تاریخ ذهنی تخت جمشید را می‌توان در منابع دیگر و در مثل‌ها و قصه‌های مردم نیز جست. بسیاری از این تصورات دیرپای تاریخی در میان عوام و خواص، مشترک است و از این رو، چنین منابعی، با آن‌که حاصل کار نخبگان است، در دایره‌ی تاریخ فرهنگی است.^۲

ج. معنای افزوده به معماری

بناها معمولاً در همان هنگام ساخت، برای مردمی که با آنها سروکار دارند یا آنها را می‌بینند معانی‌ای خواسته یا ناخواسته دارند. گاهی گوهر معنای بنا در طی زمان، پایدار می‌ماند و فقط ظرایف و فروع آن معنا دگرگون می‌شود؛ اما گاهی معنای بنا در طی زمان، دستخوش دگرگونی‌های بنیادین می‌شود. نمونه‌ای از این دگرگونی، دو بقعه‌ی هم‌دوره در اصفهان است: یکی بقعه‌ی پیربکران، در جنوب غربی اصفهان، و دیگری بقعه‌ی عموعبدالله کارلادانی در غرب اصفهان. هر دو بقعه متعلق به قرن هشتم و شباهت‌های ساختار بنای آنها چشم‌گیر است. هنوز بسیاری از مردم، بقعه‌ی پیربکران را زیارتگاه می‌شمارند؛ اما کمتر کسی است که به قصد زیارت به بقعه‌ی عموعبدالله برود. سبب این است که چند سده پس

۱. حمدلله مستوفی، (۱۳۸۹)، *نزهة القلوب*، تصحیح گای لیسترنج، تهران: اساطیر، ص ۱۲۱، ۱۲۰.

۲. تاریخ فرهنگی چیست؟، ص ۴۰.

از ساخت بنا، مناره‌هایی به دو سوی ایوان آن افزوده‌اند که به طرز شگفت تکان می‌خورد. این مناره‌ها چندان شهرت یافته که هم بنا از مزار به تماشاگاه و تفریحگاه دگرگون شده و هم نام آن از مزار عموعبدالله به منارجنبان تغییر کرده است.

د. تاریخ بناهای غیرشاخص

بسیاری از بناهایی که به دست ما رسیده، بناهای فاخر و شاهانه و اعیانی است. لیکن بناهای فاخر بخشی کوچک از معماری ایران بوده است. این که بناهای عامه‌ی مردم به دست ما رسیده است، بدین معنا نیست که آن بناها جزو معماری ایران نبوده و می‌توان از آنها گذشت. از جمله ثمره‌های ارزنده‌ای که جریان تاریخ فرهنگی معماری ایران در آینده خواهد داشت، توجه به بناهای عامه و روشن کردن جنبه‌های مغفول مربوط به نقش عوام در معماری ایران است.^۱ بیشتر این نوع بناها از بین رفته‌اند؛ اما گاهی از خلال خاطرات مکتوب یا شفاهی و برخی از سفرنامه‌ها می‌توان گوشه‌هایی از آنها را بازیافت. این دست موضوعات، می‌تواند درباره‌ی محله‌ها و سکونت‌گاه‌های طبقات فرودست جامعه، اقلیت‌های دینی و گروه‌های مهاجر نیز باشد. علاوه بر این موضوعات، پژوهش درباره‌ی سکونت‌گاه‌ها و محل‌های حاشیه‌نشینان و رانندگان از جامعه، مانند خرفت‌خانه، دارالسیاده، دارالرضاعه، دارالعجزه، دارالقمامه، دارالمساکین نیز در این گروه قرار می‌گیرد.

هـ. اعمال مرتبط با معماری

از ویژگی‌های تاریخ فرهنگی جدید توجه به اعمال است. مورخان فرهنگی در هر شاخه‌ی مطالعاتی، بیشتر از آن که به مطالعه‌ی پدیده‌ها بپردازند، به اعمالی توجه می‌کنند که موجب به وجود آمدن پدیده شده است. در حوزه‌ی تاریخ معماری، شناخت اعمال همه‌ی کسان و گروه‌های مرتبط با معماری - از حامی و طراح و سازنده و وارث و واقف و خریدار و صنف - در این مجموعه قرار می‌گیرد. مثلاً این که چگونه زمینی را برای ساختن بنایی برمی‌گزینند؛ چگونه ساختن بنایی را به معمار سفارش می‌دادند؛ کارفرما و معمار هر کدام تا چه حد در طراحی بنا دخالت می‌کردند؛ و این که نسبت طراحی در هر یک از

۱. برای دیدن بحث و مثال‌هایی در این باره، نک: قیومی و شمس، «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران».

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۱۰۳

تخصص‌های مرتبط با بنا با شخص معمار چه بود و معمار تا چه اندازه، در طراحی تزیینات و کتیبه و مانند آن دخالت می‌کرد.^۱

محققان تاریخ معماری ایران، با فرض دشواری یا امتناع یافتن اسنادی درباره‌ی مراحل ساخت بنا در معماری گذشته‌ی ایران، این موضوع را یکسره به کنار نهاده‌اند؛ اما گستردن دامنه‌ی منابع و جستجوی دقیق در متون و اسناد تاریخی، این داوری را دگرگون خواهد کرد. نمونه‌ی آن اطلاعات گوناگون در خصوص سازوکار سفارش معماری در میان اسناد خانوادگی است.^۲

و. زندگی و فضای درون بنا

«فضا» از موضوعات مهم در رویکرد تاریخ فرهنگی است. از منظر تاریخ فرهنگی، برای فهم صحیح‌تر فضاها باید به درکی نزدیک به واقع از زندگی عادی درون بنا دست یابیم. هر فضا، گذشته از بدنه‌ی ثابت کالبدش، حاوی اثاث و نیز انسان‌ها و رفتار متغیر آنان است. مثلاً برای فهم فضای مطبخ در خانه‌های قاجاری اصفهان، علاوه بر مطالعه‌ی کالبد، باید وسایل مطبخ در آن دوره، فعالیت‌های درون مطبخ، حتی بوها، نور و روشنایی آن را بشناسیم. برخی از فضاها را برای گرد هم آمدن انسان‌ها می‌سازند؛ مانند فضای قهوه‌خانه، فضای میدان، فضای مصلا، فضای بازار، فضای مدرسه؛ در این فضاها، اهمیت وجود جمع انسانی به اندازه‌ی اهمیت کالبد، و گاهی (مثلاً در مصلا) بیشتر از کالبد، است. مطالعه‌ی این نوع فضاها نیز ارتباطی تنگاتنگ با شناخت زندگی جاری در هر یک دارد.

آنچه ذکر شد شش نمونه از مهم‌ترین حوزه‌های موضوعی است که در رویکرد تاریخ فرهنگی معماری ایران می‌توان به آنها پرداخت. چنان‌که گفتیم، هر موضوع مرتبط با عادات، شیوه‌های زندگی، باورها، دیدگاه‌ها و سلیقه‌های معماریانه‌ی انسان‌ها نیز در حیطه‌ی تاریخ فرهنگی می‌تواند باشد. با تأمل در اینها، منابعی تازه در دایره‌ی منابع تاریخ معماری ایران قرار می‌گیرد.

۱. در این باره، نک: قیومی، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جست‌وجو در آنها».
۲. نک: این دو پژوهش در زمینه‌ی اسناد خانوادگی گرگان: محدثه نظیف‌کار، *اطلاعات معماری در اسناد خانوادگی استرآباد: خانواده کبیر؛ قیومی و نظیف‌کار*، «دو سند درباره معماری حمام‌های روستایی استرآباد».

۱۰۴ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۷

نتیجه

رویکرد تاریخ فرهنگی بیش از یک‌ونیم سده سابقه دارد؛ با این حال، همچنان در حال تحول است. هرچند برخی از ویژگی‌های اصلی تاریخ فرهنگی در این سیر تحول پایدار مانده است، نه تنها به اندازه‌ی تنوع معنای فرهنگ، تاریخ فرهنگی داریم؛ بلکه این رویکرد در هر سرزمینی که آن را به کار بسته‌اند، به تدریج سنتی خاص یافته است؛ چندان‌که در کتاب‌های تاریخ فرهنگی، از سنت‌های آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و امریکایی نام می‌برند. تاریخ فرهنگی نه فقط بنابر موضوعش می‌تواند ایرانی بشود؛ بلکه این استعداد را دارد که در نظریه‌ها و روش‌ها و منابع نیز بومی باشد. البته هنگامی می‌توان با اطمینان بیشتر درباره‌ی قابلیت این رویکرد در تاریخ معماری ایران سخن گفت، که در عمل آزموده شود. صورت و قوام امروزی تاریخ فرهنگی در مغرب‌زمین نیز حاصل نقد مداوم پژوهش‌هایی است که با این رویکرد صورت گرفته است.

تجربه‌ی جهانی تاریخ فرهنگی نشان می‌دهد که بالیدن این میان‌رشته، سخت وابسته به بالیدن رشته‌های پیرامون و رونق گرفتن و اصالت کار در آنهاست. از سوی دیگر، وابستگی تاریخ فرهنگی به اسناد متکثر و متنوع نیز اهمیت پرداختن به گردآوری، سامان‌دهی و گویاسازی اسناد تاریخی را نشان می‌دهد. کثیری از این اسناد در ایران، هنوز شناسایی نشده یا در دسترس محققان قرار نگرفته است. این قضیه، به‌ویژه در مورد اسناد شخصی و خانوادگی صدق می‌کند. اسناد و متونی چون نامه‌ها، دفترچه‌های یادداشت شخصی یا یادداشت‌های پراکنده، آلبوم‌های عکس، حتی اشیای مربوط به زندگی گذشته و اسنادی چون قبالة‌نامه‌ها، بیع‌نامه‌ها، اسناد مربوط به سفارش ساخت بنا، وصیت‌نامه و وقف‌نامه از جمله اسنادی است که اغلب جزو یادگارهای خانوادگی نگهداری شده است. گردآوری این نوع منابع، کمک بسیار بزرگی در جهت نزدیک شدن به زندگی و نگاه گذشتگان است و امکان پژوهش با رویکرد تاریخ فرهنگی را فراهم می‌کند.

رویکرد تاریخ فرهنگی دو جنبه‌ی برجسته و به‌ظاهر متناقض دارد: کل‌نگری و توجه به جزئیات. کل‌نگری، ما را از نگاه منقطع و پاره‌پاره‌ی رایج در رویکردهای تاریخی‌گراانه محفوظ می‌دارد و توجه به جزئیات، به ما امکان می‌دهد که در جنبه‌های مغفول معماری ایران نظر کنیم؛ و نیز از بند کلی‌گویی‌هایی که سال‌هاست گرفتار آنیم رها شویم.

۱۰۶ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۷

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها و مقالات:

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۶)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران: آگه.
- اولیاء، محمدرضا، *شناخت اصطلاحات معماری سنتی ایران برای تحقیق، تعلیم و تربیت معماری: مطالعه موردی: یزد*، پایان‌نامه مقطع دکتری، به راهنمایی دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- برک، پتر، (۱۳۸۹)، *تاریخ فرهنگی چیست؟ ترجمه نعمت‌الله فاضلی و مرتضی قلیچ*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بورکهارت، یاکوب، (۱۳۷۶)، *فرهنگ رنسانس در ایتالیا*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
- بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۸۹)، *مسجد: مکان معراج مؤمنین*، تهران: روزنه.
- بیمن، ویلیام، (۱۳۸۱)، *زبان، منزلت و قدرت در ایران*، ترجمه رضا ذوقدار مقدم، تهران: نی.
- تحویلدار اصفهان، حسین بن محمد ابراهیم، (۱۳۸۸)، *جغرافیای اصفهان: جغرافیای طبیعی و انسانی و آثار اصناف شهر*، تهران: اختران.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۸۹)، *نزهة القلوب*، تصحیح گای لیسترنج، تهران: اساطیر.
- شهیدی مارنانی، نازنین، *درآمدی بر تاریخ فرهنگی معماری ایران*، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مهرداد قیومی بیدهدی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- صالحی کاخکی، احمد، «یادگارهای گنبدخانه تربت شیخ جام»، در: *رواق*، ش ۳، تابستان ۱۳۷۸، ص ۶۹-۷۸.
- _____، «یادگارهای گنبدخانه مزار مولانا زین‌الدین ابوبکر تایبادی»، در: *رواق*، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۳-۴۰.
- عسکری خانقاه، اصغر و محمدشرف کمالی، (۱۳۸۷)، *انسان‌شناسی عمومی*، تهران: سمت.
- قیومی بیدهدی، مهرداد، (۱۳۹۰)، «مزاج دهر: نظریه حیات زمانه در دوره‌بندی تاریخ معماری ایران»، در: *گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر*، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۷۰-۵۷.
- _____، (۱۳۹۰)، «سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جست‌وجو در آن‌ها»، در: *گفتارهایی در مبانی و تاریخ معماری و هنر*، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۶۲-۱۳۳.
- _____، و امید شمس، «درآمدی بر تاریخ ذهنیت عامه در معماری ایران»، در: *دوفصلنامه مطالعات معماری ایران*، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱)، ص ۲۵-۵.
- _____، و محدثه نظیف‌کار، «دو سند درباره معماری حمام‌های روستایی استرآباد»، در دست‌انشار در *پژوهش‌های ایران‌شناسی (نامواره استاد ایرج افشار)*.
- _____، و محمدمهدی عبدالله‌زاده، «بام و بوم و مردم: بازخوانی و نقد اصول پیشنهادی پیرنیا برای معماری ایرانی»، *مطالعات معماری ایران*، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۲۴-۷.

رویکرد تاریخ فرهنگی و امکان و فواید آن در مطالعات معماری ایران ۱۰۷

- گامبریج، ارنست، (۱۳۷۹)، *تاریخ هنر*، ترجمه علی رامین، تهران: نی.
- گلچین معانی، احمد، «تاریخ یادگار: خط نوشتن تا بماند یادگار»، یغما، ش ۱۸۲، شهریور ۱۳۴۲، ص ۲۸۷-۲۸۳.
- گلیجانی مقدم، نسرين، (۱۳۸۴)، *تاریخ‌شناسی معماری ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مشکوه الملک، محمدعلی، (۱۳۷۶)، *گنج پیدا: رساله عکسیه حشریه به همراه مجموعه‌ای از عکس‌های دوره قاجار*، به کوشش بهمن جلالی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- نظیف‌کار، محدثه، *اطلاعات معماری اسناد خانوادگی استرآباد: خانواده کبیر*، به راهنمایی دکتر مهرداد قیومی بیدهدی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- هاشمی، سیده میترا، *تاریخ شفاهی در تاریخ معماری ایران: درآمدی بر مباحث نظری و عملی*، به راهنمایی مهرداد قیومی بیدهدی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، «جامعه کوتاه مدت: بررسی مشکلات توسعه سیاسی و اقتصادی بلند مدت در ایران»، بخارا، ش ۶۹-۶۸، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲-۲۷۰.
- هنرفر، لطف‌الله، (۱۳۴۴)، *گنجینه آثار تاریخی اصفهان: آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان*، اصفهان: ثقفی.
- ونگ، دیوید، «تحقیق تفسیری - تاریخی در معماری»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهدی، ص ۳۹، بهار ۱۳۸۴.

منابع لاتین:

- Aasen, Clarence, (1998), *Architecture of Siam: A Cultural History Interpretation*. Oxford University Press.
- Boyd, Kelly, (1999), *Encyclopedia of Historians and Historical Writing*. Routledge
- Burckhardt, Jacob, (1987), *The architecture of the Italian renaissance*, University Of Chicago Press.
- Burke, Peter, (1997), *Varieties of Cultural History*. New York: Cornell University Press.
- Gombrich, Ernst H, (2002), "In search of cultural history".in Dana Arnold, *Reading Architectural History*, London: Routledge , pp. 164-171.
- Hunt, Lynn, (ed.) (1989), *The New Cultural History*. University of California Press.
- Preziosi, Donald, (1989), *Rethinking Art History: Meditations on a Coy Science*. New Haven & London: Yale University Press, p. xii.
- Wittman, Richard, (2007), *Architecture, Print Culture, and Public Sphere in Eighteenth-Century French*. New York and London: Routledge.